





دانشگاه شهید چمران اهواز

۹۳۵۵۵۰۴

دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی

گرایش علوم قرآن و حدیث

عنوان:

ترجمه و تحقیق تفسیر نورالثقلین (نیمه دوم جزء هفتم قرآن کریم)

استاد راهنما:

دکتر سید یوسف محفوظی موسوی

استاد مشاور:

دکتر مینا شمخی

نگارنده :

سید سعید موسوی

شهریور ماه ۱۳۹۳

تقدیر و تشکر:

بی شک عدم استنکاف در فراگرفتن قرآن و مفاهیم قرآنی یکی از بزرگترین توفیقات الهی است که خداوند متعال به این حقیر ارزانی نموده است، چرا که این توفیق، مورد تجلیل بزرگان دین مبین اسلام قرار گرفته است، همان طور که امیرمؤمنان می فرمایند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)

أَلْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ تَكْتُرُ بَرَكَتُهُ، وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ، وَ يَضِيءُ لَاهِلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ الْكَوَاكِبُ لَاهِلِ الْأَرْضِ.^۱

«منزلی که قرآن و یاد خدا عز و جل در آن ذکر شود، برکت در آن منزل فزونی می یابد و ملائکه در آن حاضر می شوند و شیاطین آن را ترک می کنند، و این منزل، همانطور که ستارگان برای اهل زمین می درخشند، برای اهل آسمان نیز می درخشد.»

پس به پاس عدم استنکاف در فرا گرفتن تعالیم بزرگ قرآنی، خداوند رحیم و رحمان را شکر گزارم. لذا بر خود لازم می دانم در راستای این تعلیم و تعلم از معلمین و اساتید شایسته خود که با صبر و شکیبایی، مرا در نگارش این پایان نامه یاری نموده اند، کمال تشکر را داشته باشم.

تشکر از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر سید یوسف محفوظی موسوی که بدون "راهنمایی" ایشان این تحقیق به سرانجام نمی رسید و همچنین تشکر از استاد بزرگوار سرکار خانم دکتر میناشمخی که "مشاوره‌ی" ایشان همانند چراغی است در تاریکی که طریق را برای صاحبش مکشوف می سازد. و نیز بر خود لازم می دانم از زحمات دلسوزانه و خالصانه‌ی جناب آقای دکتر علی مطوری و جناب آقای دکتر قاسم بستانی که در طول دوره‌ی کارشناسی ارشد از محضر آنها کسب فیض نموده‌ام تقدیر و تشکر نمایم.

در آخر از خانواده عزیزم، بخصوص همسر بزرگوارم که با فراهم نمودن شرایط لازم در کانون خانواده به نوعی در به پایان رساندن این پایان نامه مرا یاری نموده اند کمال تشکر را دارم.

^۱ . ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، آیین بندگی و نیایش (ترجمه عدة الداعی)، مترجم حسین غفاری ساروی، چاپ اول، مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش.

نام خانوادگی: موسوی	نام: سیدسعید	شماره دانشجویی: ۹۱۵۵۳۱۵۱۰۱
عنوان پایان نامه: ترجمه و تحقیق تفسیر نورالثقلین (نیمه دوم جزء هفتم)		
استاد/اساتید راهنما: دکتر سید یوسف محفوظی موسوی		
استاد/اساتید مشاور: دکتر مینا شمخی		
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات و معارف اسلامی	گرایش: علوم قرآن و حدیث
دانشگاه: شهید چمران اهواز	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	گروه: علوم قرآن و حدیث
تاریخ فراغ تحصیلی:	تعداد صفحه: ۲۲۲	
کلید واژه ها: تفسیر نور الثقلین، ترجمه، بررسی روایات، رجال شناسی.		
<p>چکیده:</p> <p>تفسیر نورالثقلین، یکی از تفاسیر روایی است که در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری نگاشته شده و یکی از مهمترین تفاسیری است که روایات اهل البیت (علیهم السلام) را که پیش از آن پراکنده بود، جمع آوری کرده است.</p> <p>حویزی مؤلف این تفسیر، توضیحی در باره ی آیه یا روایت و مطالب مربوط به آن ارائه نمی دهد، هر چند که روایات باهم ناسازگار باشند. خود مؤلف به این مطلب، در مقدمه تفسیر به آن اشاره دارد و نقل روایاتی که مخالف با عقاید علمای شیعه است را به معنای عمل و اعتقاد بدان نمی داند و این کار او تنها به این منظور بوده که بر خواننده معلوم شود چه کسی آن را نقل کرده است تا خود خواننده به توجیه آن بپردازد.</p> <p>پایان نامه پیش رو، در صدد بوده است، علاوه بر مشخص کردن سوره و شماره آیات تفسیر شده و ترجمه آیات و روایات و شرح واژگان غریب، به بررسی سند، احادیث تفسیری و رجال شناسی مربوط به آن بپردازد.</p> <p>در بخش بررسی روایت، ابتدا هر حدیثی به لحاظ سند و متن با مصدر اصلی تطابق و مورد بررسی دقیق قرار می گیرد و سپس با منابع متقدم و متأخر، مقایسه شده است تا تفاوت نسخ و نقلها یا اشتباهات محتمل در سند و متن ذکر شود و چنانچه نکته یا نکاتی به نظر رسیده، بیان شده است.</p> <p>در بخش رجال شناسی حدیث، راویان حدیث بر اساس کتب رجالی مشهور مانند، رجال النجاشی، الفهرست و رجال الطوسی، اختیار معرفة الرجال کشی، رجال ابن داود حلی، معجم رجال الحدیث آیت الله خوئی و... مورد جستجو قرار گرفته و شرح حالی از آنها، اعم از توثیق و تضعیف، مدح و ذم یا مجهول بودن ذکر گردیده است.</p>		

فهرست مطالب

عنوان:.....	صفحه
مقدمه.....	١
فصل اول: کلیات.....	٣
بیان مسئله.....	٤
سوالات تحقیق.....	٤
فرضیه تحقیق.....	٤
اهداف تحقیق.....	٥
اهمیت تحقیق.....	٥
روش تحقیق.....	٦
پیشینه تحقیق.....	٦
فصل دوم: آیات ٣٥ تا ١١٠ سوره انعام.....	٧
مقدمه.....	٨
آیه ١: «وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ...».....	٩
آیه ٢: «إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ».....	٩
آیه ٣: «وَقَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى...».....	١٥
آیه ٤: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ...».....	١٥
آیه ٥: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ...».....	٢٨

- آیه ۶: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ...»..... ۳۱
- آیه ۷: «بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ»..... ۳۱
- آیه ۸: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ»..... ۳۳
- آیه ۹: «فَلَوْ لَا إِذِ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَآكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»..... ۳۳
- آیه ۱۰: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِم أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ...»..... ۳۷
- آیه ۱۱: «فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»..... ۳۷
- آیه ۱۲: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ...»..... ۴۳
- آیه ۱۳: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ»..... ۴۴
- آیه ۱۴: «وَ مَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ»..... ۴۴
- آیه ۱۵: «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»..... ۴۴
- آیه ۱۶: «قُلْ لَّا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ...»..... ۴۶
- آیه ۱۷: «وَ أَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِّن دُونِهِ وَّلِيٌّ وَ لَا شَفِيعٌ لَّهُمْ يَتَّقُونَ»..... ۴۸
- آیه ۱۸: «وَ لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ الْعَشِيِّ...»..... ۴۸
- آیه ۱۹: «وَ كَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أ هَٰؤُلَاءِ مَنَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا أ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ»..... ۴۹
- آیه ۲۰: «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ...»..... ۵۳
- آیه ۲۱: «وَ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَ لِنَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ»..... ۵۳
- آیه ۲۲: «قُلْ إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أُعْبَدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ...»..... ۵۳
- آیه ۲۳: «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ...»..... ۵۳

- آية ٢٤: «قُلْ لَوْ أَنِّي عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ»..... ٥٥
- آية ٢٥: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَ...»..... ٥٦
- آية ٢٦: «وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ...»..... ٦١
- آية ٢٧: «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ...»..... ٦١
- آية ٢٨: «ثُمَّ رَدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْتَاهُمْ الْحَقِّ ۗ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ»..... ٦٢
- آية ٢٩: «قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبُرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً...»..... ٦٤
- آية ٣٠: «قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ»..... ٦٤
- آية ٣١: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ...»..... ٦٦
- آية ٣٢: «وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۗ قُل لِّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ»..... ٦٦
- آية ٣٣: «لِّكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»..... ٦٦
- آية ٣٤: «وَأِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ...»..... ٧٠
- آية ٣٥: «وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَا كُنْزٍ لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»..... ٨٤
- آية ٣٦: «وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَهَوًّا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا وَ...»..... ٨٤
- آية ٣٧: «قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلا يَضُرُّنَا وَ...»..... ٨٥
- آية ٣٨: «وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»..... ٨٥
- آية ٣٩: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ...»..... ٨٦
- آية ٤٠: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازِرًا أَنْ تَتَّخِذَ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»..... ٨٧
- آية ٤١: «وَكَذَٰلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»..... ٩١

- آیه ۴۲: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْإِفْلِينَ»..... ۱۱۲
- آیه ۴۳: «فَلَمَّا رَأَىٰ الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لئن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ»..... ۱۱۲
- آیه ۴۴: «فَلَمَّا رَأَىٰ الشَّمْسُ بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ»..... ۱۱۳
- آیه ۴۵: «إِنِّي وَجْهَتُ وَجْهِي لِلذِّى فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»..... ۱۱۳
- آیه ۴۶: «وَ حَاجَّةً قَوْمَهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانِ وَ...»..... ۱۱۶
- آیه ۴۷: «وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَ لَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ...»..... ۱۱۷
- آیه ۴۸: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ»..... ۱۲۵
- آیه ۴۹: «وَ تِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ»..... ۱۲۵
- آیه ۵۰: «وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَ نوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَ...»..... ۱۳۳
- آیه ۵۱: «وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ إِبْرَاهِيمَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ»..... ۱۳۳
- آیه ۵۲: «وَ إِسْمَاعِيلَ وَ الْيَسَعَ وَ يُونسَ وَ لُوطًا وَ كُلًّا فَضَلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ»..... ۱۳۳
- آیه ۵۳: «وَ مِن ءَابَائِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ وَ إِخْوَانِهِمْ وَ اجْتَبَيْنَاهُمْ وَ هَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ»..... ۱۳۴
- آیه ۵۴: «ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ وَ لَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»..... ۱۳۴
- آیه ۵۵: «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ...»..... ۱۴۲
- آیه ۵۶: «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَالَمِينَ»..... ۱۴۵
- آیه ۵۷: «وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ...»..... ۱۴۷
- آیه ۵۸: «وَ هَٰذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ...»..... ۱۴۸
- آیه ۵۹: «وَ مَن أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَ لَمْ يُوْحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ...»..... ۱۵۲

- آیه ۶۰: «وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَ...» ۱۵۷.....
- آیه ۶۱: «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ...» ۱۶۴.....
- آیه ۶۲: «فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» ۱۶۸.....
- آیه ۶۳: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» ۱۷۳.....
- آیه ۶۴: «وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ» ۱۷۴.....
- آیه ۶۵: «وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ...» ۱۷۹.....
- آیه ۶۶: «وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ» ۱۷۹.....
- آیه ۶۷: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَ...» ۱۷۹.....
- آیه ۶۸: «ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» ۱۸۰.....
- آیه ۶۹: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» ۱۸۴.....
- آیه ۷۰: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» ۱۸۵.....
- آیه ۷۱: «وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» ۱۹۹.....
- آیه ۷۲: «اتَّبِعْ مَا أوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» ۱۹۹.....
- آیه ۷۳: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ» ۱۹۹.....
- آیه ۷۴: «وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ...» ۲۰۰.....
- آیه ۷۵: «وَاقْسُمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنِ جَاءَهُمْ نَبَأٌ لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ بِهَا...» ۲۰۱.....
- آیه ۷۶: «وَوُتِّلَبُ أفتِدَهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَدَرْتُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» ۲۰۷.....
- نتیجه گیری..... ۲۰۹.....

فهرست منابع..... ۲۱۰

چکیده انگلیسی..... ۲۲۴

قرآن نه فقط یک کتاب بلکه، یک معجزه است، که نشانه صدق پیامبر(ص) می باشد و برای راهنمایی انسان ها نازل گردید. قرآن به زبان عربی فصیح بر پیامبر اسلام (ص) فرو فرستاده شد و حتی مردم عادی به راحتی آن را درک می کردند و از آن بهره می بردند و در مواقعی که هدف و مقصود یک آیه روشن نبود به آسانی از طریق پیامبر (ص) مشکل حل می شد. اما این دوران طلایی دیری نپایید و پیامبر (ص) از بین مسلمانان رحلت کردند. این جا بود که احتیاج به تفسیر و تبیین قرآن آشکار شد. به ویژه که هر سال بر تعداد مسلمانان در سرتاسر جهان افزوده می شد و هزاران نفر با هزاران سؤال و فکر جدید با اسلام و مسلمانان روبرو می شدند.

از دوره تدوین تاکنون، صدها تفسیر به طور کامل یا ناقص توسط دلباختگان به قرآن با تحمل سختی فراوان به منظور خدمت به قرآن نگاشته شد. این مفسران با توجه به فن و تخصصی که داشتند، در مقام تفسیر قرآن برآمدند و آن را برمسلك خویش درآوردند. از جمله این روش ها، لغوی، ادبی، علمی، اجتهادی، عرفانی، روایی و... می باشد.

تفاسیر روایی گونه ای از تفسیر است که در دوران آغازین تفسیر قرآن شکل گرفته و به دو صورت می باشد:

۱- افزودن توضیحات بر روایات

۲- بسنده کردن به ذکر روایات

الف) در این نوع تفسیر برخی تنها به ذکر روایاتی که نزد نویسندگان مقبول بود، بسنده کرده، که این رفتار از نظر محققان ناپسند است. چه بسا، حدیث ناقبول کسی، نزد دیگران مقبول افتد و آنچه که به گمان خویش ناپسند دانسته، نزد محقق دیگر قابل پذیرش باشد.

ب) برخی در نقل احادیث، تمام آنچه بر آن دست یافته، آورده اند؛ خواه از نظر خود و دیگران مقبول باشد یا نه؛ تفسیر نور الثقلین در شمار این نوع تفاسیر قرار می گیرد.

این تفسیر نوشته، عبدعلی بن جمعه حویزی، فقیه و محدث امامی مذهب، متوفای ۱۱۱۲ق است. او قرآن را طبق روایاتی که از اهل بیت (علیهم السلام) صادر شده است، تفسیر می کند؛ اهل بیتی که آگاه ترین اند نسبت به تفسیر قرآن.

از ویژگی این تفسیر، آن است که مفسر تنها بخشی از هر آیه را که دارای روایت تفسیری بوده است نقل و از ذکر قسمتهای قبل و بعد آن و دیگر آیاتی که روایتی در تفسیر آن نرسیده و یا دسترس بدان نبود، خودداری نموده است.

شیوه حویزی در نقل روایات این است که در نقل اولین روایت ازهر مأخذ، نام کتاب را می آورد و در بقیه، با حذف آن می گوید: «باسناد» یا «فیه» و توضیحی در باره ی آیه یا روایت و مطلب مربوط به آن ارائه نمی دهد، هر چند که روایتها باهم سازگار نباشند؛ خود مؤلف در مقدمه تفسیر، به این حقیقت اشاره کرده است و می گوید: «نقل روایاتی که مخالف علمای شیعه است، به معنای بیان عقیده و عمل بدان نیست؛ بلکه تنها به این جهت آنها را جمع آوری کرده ام که بر خواننده معلوم شود چگونه، و از چه کسی نقل شده است، و خود عهده دار توجیه آن گردد»^۱. حویزی گرچه که توضیحی درباره ی آیات نیاورده، ولی گزینش روایات، خود نوعی اجتهاد در تفسیرش می باشد.

مجموعه ی حاضر بر آن بوده است که جزء هفتم قرآن کریم (نیمه دوم) از تفسیر نور الثقلین را ترجمه و تحقیق کند. برای رسیدن به این هدف، از آیه ۳۵ تا آیه ۱۱۰ سوره انعام همراه با احادیث آن ابتدا ترجمه، سپس به ارزیابی متن و سند پرداخته شده است. در بررسی و ارزیابی سند، ضمن مشخص نمودن نوع آن، به تبیین نام رجال و سند به طور کامل، و در بررسی متن، با مقایسه و مطابقت آن با منبع اصلی و بیان اختلافات آن، و در صورت لزوم به تصحیح آنها اقدام گردیده است.

«ومن الله التوفیق»

^۱. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲.

فصل اول

«کلیات»

بیان مسئله

یکی از روشهای درک و فهم بهتر قرآن کریم تفسیر نقلی (روایی)، آن هم با ذکر روایات و احادیث مرتبط با آیات قرآن کریم می باشد و تفسیر نور الثقلین نیز یکی از تفاسیر جامع نقلی است که در بر گیرنده اکثر روایت های تفسیر شیعی در تفسیر قرآن می باشد و از آنجا که این تفسیر فاقد ترجمه و تحقیق بوده است و با توجه به آسیب هایی که متوجه روایت های تفسیری است، این پایان نامه در جهت رفع نواقص موجود نگاشته شده و تلاش گردید اسناد و متون احادیث آن بررسی شود تا ایرادات و اشکالات وارد شده در آنها تبیین گشته و ترجمه ای قابل فهم از آن ارائه گردد.

سؤالات تحقیق

۱- با توجه به بخش بررسی شده (نیمه دوم جزء هفتم قرآن کریم)، انتخاب و گزینش روایات در روش

حویزی به چه صورت بوده است؟

۲- روایات ذکر شده در این قسمت کتاب تفسیر نور الثقلین از حیث سندچگونه می باشد؟

فرضیه های تحقیق

۱- مؤلف کتاب تفسیر نور الثقلین صرفاً به گردآوری روایات تفسیری پرداخته و از پرداختن به رجال

شناسی، اجتهاد و تفسیر شخصی اجتناب نموده است.

۲- تفسیر نور الثقلین از نمونه های ارزشمند از نوع تفسیر روایی است که با ترجمه و تحقیق آن در ذکر

منابع و رجال شناسی روایات آن بر ارزش و اشتها آن افزوده خواهد شد.

اهداف تحقیق:

- ۱- ترجمه و تحقیق بخش دوم جزء هفتم قرآن کریم از کتاب تفسیر نور الثقلین.
- ۲- بررسی سند و متن حدیث و ذکر آیات مربوط به احادیث.
- ۳- شناساندن روایات تفسیری و اهمیت آن ها، با پرداختن به منبع شناسی و رجال شناسی آن ها.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

قرآن کریم به زبان عربی فصیح بر پیامبر اسلام (ص) فرو فرستاده شد که دربرگیرنده دستورات الهی و شرع مقدس اسلام است و این کتاب آسمانی به گونه ای می باشد که اکثر مسلمانان آن را درک می کردند و در موقعی که هدف و مقصود از یک آیه برای آنها مشخص نبود به پیامبر بزرگ اسلام مراجعه می کردند و رفع مشکل می نمودند اما این دوران طلایی دیری نپایید و پیامبر (ص) از بین مسلمانان رحلت کردند. این جا بود که احتیاج به تفسیر و تبیین قرآن آشکار شد. که مهم ترین تفاسیر بعد از رحلت پیامبر اسلام تفاسیر روایی بوده اند؛ و از آنجایی که کتاب ارزشمند تفسیر نور الثقلین به صورت روایی بوده است بدین خاطر دارای ارزش بیشتر می باشد چرا که شرح و تبیین آیات را از مفسران و تبیین کنندگان واقعی کلام الهی، که همان پیامبر اکرم (ص) و خاندان مطهر ایشان می باشد؛ گرد آوری نموده است. لذا پژوهش و تحقیق در زمینه ای این کتاب ارزشمند دارای اهمیت و ارزش بالایی می باشد.

روش تحقیق:

روش اجرای این پژوهش مبتنی بر روش تحقیق کتابخانه‌ای و استفاده از منابع نرم افزارهای مرتبط بوده است.

محقق در این تحقیق ابتدا متن حدیث تفسیری را ترجمه نموده و سپس متن و سند آن ها را مورد بررسی قرار داده و آن ها را بامنابع اصلی و دیگر منابع شیعی و غیرشیعی مورد مقایسه قرار داده و تبار شناسی (بررسی روایت) و رجال شناسی انجام داده تا وضعیت متن و سند آن ها به خوبی روشن گردد.

پیشینه تحقیق:

این تحقیق و پژوهش در نوع خود برای نخستین بار در دانشگاه شهید چمران اهواز به صورت جزء جزء توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و به تدریج در حال انجام شدن است. و مجموعه‌ی حاضر بخش دوم از جزء هفتم قرآن کریم از اجزاء سی گانه قرآن کریم می باشد.

ترجمه احادیث سابقاً به صورت پراکنده در کتب روایی ترجمه شده و اخیراً به صورت منسجم در ترجمه‌ای که از تفسیر نور الثقلین به عمل آمده است موجود می باشد، ولی در برخی جاها، نیاز به تصحیح و تدقیق است. اما منبع شناسی، تبار شناسی و رجال شناسی آن به این صورت کامل که در این پایان نامه و پایان نامه های دانشجویان کارشناسی ارشد دوره های قبل انجام گرفته است، درجایی به انجام نرسیده است.

فصل دوم

«تفسیر سورہ انعام»

آیات (۳۵ - ۱۱۰)

مقدمه

انعام، ششمین سوره قرآن است و دارای ۱۶۵ آیه و مکی می باشد. در فضیلت این سوره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «سوره انعام به یکباره بر من نازل شده و هنگام نزول، هفتاد هزار فرشته که در حال تسبیح «سبحان الله» و تمجید «الحمد لله» گفتن هستند آنرا مشایعت و همراهی کردند. هر کس این سوره را بخواند ۷۰ هزار فرشته در شب و روز، به تعداد آیات سوره انعام بر او درود می فرستند.^۱

امام جعفر صادق علیه السلام نیز در این باره فرموده است: سوره انعام به صورت کامل و یکباره بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است. پس آن را عظیم و عزیز بدانید. زیرا در ۷۰ جای آن نام خداوند برده شده است و اگر مردم می دانستند چه آثار و برکاتی در این سوره نهفته است آن را رها نمی کردند.^۲

این سوره از عهد نزول قرآن تاکنون با نام و عنوان دیگری جز انعام خوانده نشده است،^۳ این نام گذاری شاید از آن رو باشد که احوال انعام در این سوره به تفصیل آمده است و نیز از آن رو که از مجموع ۳۲ بار کاربرد کلمه ی انعام در قرآن کریم، ۶ بار آن در این سوره است، و این میزان دو برابر حداکثر تکرار این کلمه در دیگر سوره هاست. حتی در آیه ۱۳۸ این سوره کلمه انعام دوبار به کار رفته است.^۴

^۱ طبرسی، فضل بن حسن مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ص ۵.

^۲ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تحقیق تصحیح و نشر دار الحدیث، چاپ اول، قم، ۱۴۲۹ ق الکافی، ج ۲، ص ۶۲۲.

^۳ فیروزآبادی، محمد، بصائر ذوی التمییز، به کوشش محمد علی نجار، قاهره، ۱۳۸۳ ق، ج ۱، ص ۱۸۷.

^۴ زرکشی، محمد، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش جمال حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت، دار المعرفه، ج ۱، ص ۳۶۸؛

سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۹۷، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۷ ق/۱۹۶۷ م.

آیه ۱: «وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (انعام/۳۵)

* ترجمه آیه:

و اگر اعراض آنها بر تو سنگین است، چنانچه بتوانی نقبی در زمین بزنی، یا نردبانی به آسمان بگذاری و اعماق زمین و آسمانها را جستجو کنی، چنین کن) تا آیه (و نشانه دیگری) برای آنها بیاوری! (ولی بدان که این لجوجان، ایمان نمی آورند!) اما اگر خدا بخواهد، آنها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد. (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از جاهلان مباش!^۱

آیه ۲: «إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (انعام/۳۶)

* ترجمه آیه:

تنها زنده دلان عالم که گوش شنوا دارند اجابت می کنند، و مردگان را خدا برمی انگیزد، آن گاه خلائق به سوی حق بازگردانده می شوند.

احادیث تفسیری:

۲۱/۳۰۷۰- فی تفسیر علی بن ابراهیم: و فی روایة ابي الجارود عن ابي جعفر (ع) فی قوله: «وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ» قال: كان رسول (ص) يحب إسلام الحارث بن عامر من نوفل بن عبدمناف دعاه رسول (ص) و جهد به أن يسلم، فغلب عليه الشقاء فشق ذلك على رسول (ص) فأنزل الله: «وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ» إلى قوله: “ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ ” يقول سرباً.^۲

^۱ . ترجمه آیات، از ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، چاپ دوم، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) قم، ۱۳۷۳ش
^۲ . شماره نخست سمت راست که چهاررقمی است مربوط به کل احادیث تفسیری کتاب تفسیر نور الثقلین، شماره دوم پس از آن مربوط به تعداد احادیث این پایان نامه می باشد
^۳ . قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، تحقیق موسوی جزائری، طبیب، چاپ سوم، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۷، به بعد؛ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه بعثه، قم، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۴۱۶؛ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تحقیق اعلمی، حسین، مکتبه صدر، تهران، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۷؛ قمی، مهدی، بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش، ج ۴ ص ۳۱۹؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة الدرر أخبار الائمة الأطهار، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۰۳.

* ترجمه متن:

تفسیر علی بن ابراهیم: ابوجارود از امام باقر (ع) در تفسیر «وَأَنَّ كَانَتْ كَبِيرَةً عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ» روایت کرده است که فرمود: رسول (ص) اسلام آوردن حارث بن نوفل بن عبدمناف را دوست داشت، او را به اسلام فرا می‌خواند و تلاش زیاد می‌کرد تا او مسلمان شود، ولی شقاوت و بدبختی بر او چیره شد و این امر بر رسول خدا (ص) بسیار سخت آمد، پس از آن بود که این آیه نازل شد «وَأَنَّ كَانَتْ كَبِيرَةً عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ» تا «نَفَقًا فِي الْأَرْضِ». مراد از «نَفَقًا» راه است.

* بررسی روایت:

قمی، سیدهاشم بحرانی، محمدباقر مجلسی و قمی مشهدی به جای عبارت «من نوفل» عبارت «بن نوفل» را ذکر نموده اند، از طرفی چون صاحب کتاب تفسیر نورالثقلین این حدیث را از قمی نقل نموده اند، لذا ممکن است ذکر این عبارت، اشتباه در تایپ باشد.^۱

* رجال شناسی حدیث:

أبو الجارود، زیاد بن منذر (م. حدود ۱۶۰ هجری) راوی امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، رهبر فرقه جارودیه (از فرقه زیدیه)، دارای اصل و کتاب تفسیری از امام باقر (ع)^۲، رجال یون قدیم شیعه او را تضعیف کرده اند^۳، اما خوئی او را به جهت مدحش توسط شیخ مفید، ثقه می‌داند^۴، طوسی در فهرست او را زیدی مذهب و کشی می‌گوید که در روایت مذموم است، ابن الغضائری او را صاحب مقام می‌داند.^۵

*** نکته:** در مجموع به نظر می‌رسد که این راوی ضعیف باشد.

^۱ سند بررسی روایت در ذیل حدیث همان روایت ذکر شده است.

^۲ نجاشی، ابو العباس احمد بن علی بن احمد، الرجال، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ ششم، قم، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۷۰.

^۳ کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، تحقیق رجائی، مهدی، چاپ اول، موسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۵۱، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱.

^۴ موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، چاپ پنجم، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۰.

^۵ . شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۱۳۱، ۱۳۲؛ همو، رجال، ص ۱۳۵؛ الحلی، تقی الدین حسن بن علی بن داود، رجال ابن داود، تحقیق آل بحر العلوم، سید محمد صادق، المطبعة الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۹۲ م، ص ۴۵۴؛ علامه حلی، ابی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر یا الاسدی، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، تحقیق شیخ جواد قیومی، چاپ اول، بی‌جا، موسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۲۳؛ ابن الغضائری، احمد بن الحسین بن عبیدالله بن ابراهیم، الرجال لأبن الغضائری، تحقیق حسینی جلالی، سید محمد رضا، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۰ ش، ص ۶۱.